جای اداره
کنون را در چاپخانهٔ تابان خیابان ناصرخسرو
تلفن ۷۴۵۵
تك شماره ۵۰ دینار

پرچم

دارنده و نویسنده کسروی تبریزی

بهای اشتراك
سه ماهه در همه جا ۴۰ ریال
بهای آگهی
هرسطری: صفحه دوم ۴ ریال صفحه سوم ۳ ریال
صفحه چهارم ۲ ریال

سال یکم ـ شمارهٔ ٤

پنج‌شنبه ۹ بهمن ماه ۱۳۲۰

دربارهٔ پیمان ایران با انگلیس و روس

یکمردمی تا خود نیك نباشند از جهان نیکی نبینند.

پیمان ایران با انگلیس و روس که روز دو شنبه ششم بهمن در مجلس پذیرفته شد وما نیز متن آن را با ضمیمه هایش در شماره سوم آوردیم، کسانی می پرسند: « اندیشه شما دربارهٔ آن چیست؟». میگویند: « یك روزنامه نباید در برابر چنین موضوع بزرگی بخاموشی گراید و اندیشه خود را بمردم نفهماند ».

می گویم: این پیمانیست که میانه دو دولت نیرومند با یك دولت کم نیرو بسته شده. ناگفته پیداست که بدلخواه ما نیست. این پیمان را ما خواستار نگردیده و پیشنهاد نکرده ایم که بدلخواه ما باشد. این پیمانیست که پیش از آنکه بسته شود بکار بسته شده و خود ناگزیری بوده.

اینها چیزهاییست که پوشیده نتوان داشت. چیزی که هست این پیمان، چه سودمند و چه زیانمند، بسته شد و گذشت و دیگر جای گفتگو درباره آن نماند. از آنسوی این پیمان همیشگی نیست، و چنانکه در خود آن نوشته شده تا پایان جنگست.

کنون باید کاری کرد که دیگر دچار چنین پیمانی نشد. آنچه می باید کرد اینست، و این کار با آه و ناله، و گله و فریاد، و بدگویی از این و از آن نشود. از گوش دادن به رادیوی برلن نتیجه ای نباشد، از فریاد « یا مرگ یا استقلال » کشیدن شاهرخ بهرام سودی بدست نیاید. اینها همه باد هوا شود و ازمیان رود و درد و گرفتاری همچنان بماند.

اینها چیزهاییست که از چهل سال باز می آزمایید. تاکنون چه سودی دیده اید که پس از این توانید دید؟!.

بدانید ای ایرانیان، از اکنون که این پیمان بسته شده دو راه بروی شما باز است که می توانید هر کدام را که میخواهید پیش گیرید: یکی آنکه همچنانکه هستید باشید، و چند روزی از پیمان بد گویید و گله کنید، و بخشم آیید و تندی نشان دهید، و از یك محمد علی روشن دیوانه « قهرمانی » سازید، و بآن کار بسیار بیهوده اش آرایه هایی بسته و دل خوش گردانید. چند روزی با اینها بسر دهید و بگفته روزنامه ها « اظهار احساساتی » کنید و پس از آن فراموش گردانید و بی کار و هوس خود باشید، و شاعر بقافیه سازی، و رمان نویس بافسانه بافی، و آخوند بمردم فریبی، و روزنامه‌نویس بسودجویی، و بازرگان بانبارداری، و کرد بتاراجگری، و شاهسون براهزنی پردازید.

دیگری آنکه نیك بحال خود بیندیشید، و این ذلت و خواری که گرفتارید نیك دریابید، و ریشه درد و سرچشمه آن را بدست آورده از امروز در بی چاره باشید و یك آینده امید آوری برای خود تهیه کنید.

این دوراه بروی شما باز است. کنون بگویید که شما کدام یکی را می پذیرید؟. نیك اندیشید که کدام یکی را پیش میگیرید.

اگر می خواهید چنانکه هستید باشید و تنها بگله و ناله و بد گویی بس کنید، نتیجه نیز همین خواهد بود که هست، بلکه بدتر از این گردیده یك آینده بیمناکی در پیش خواهید داشت.

یکچیزی بشما بگویم: این جهان که ما در آنیم از روی یك « آیینی » می گردد ـ آیین بسیار استواری ـ آیینی که هیچگاه دیگر نگردد. این طبیعت یا بفارسی گوییم « سپهر » یکدستگاه بسیار بسامانیست و هیچ کاری در آن بی انگیزه یا بیرون از قاعده نیست.

شاید شما این گرفتاری و خواری را که در آنید « تصادفی » می پندارید، و یا دیگران را گناهکار میشمارید، و یا می‌خواهید شاعرانه سپهر را « کجرو » و « دون پرور » شناسید و این ذلت و خواری را دلیل نیکی و ستودگی خود دانید. ولی اینها همه بی پاست، و این گرفتاری و خواری جز نتیجه رفتار و کردار خودتان نیست. و تا چنینید که هستید چنین خواهید بود که هستید.

من نیك میدانم این سخنان به بسیاری از شماها خوش نخواهد افتاد. این یکی از ناتوانیهای شماست که همیشه می خواهید گناه را بگردن دیگران اندازید. شما کسی را دوست می‌دارید که در داد و فریاد باشما هم‌آواز گردد و هرچه بیشتر تندی نماید. هم میدانم کسانی زبان‌درازی پرداخته مرا هوادار و خواهان « پیمان » خواهند خواند. با آنکه من اندیشه خود را آشکار می نویسم از چنان گستاخی باز نخواهند ایستاد. ولی اینها ما را از راه نخواهد برگردانید.

ما در بی‌چاره هستیم و باید جز در پی حقایق نباشیم. ما این درفش افراشتیم و پرچم گشادیم که یکراهی بسوی رستگاری نشان دهیم و این بایای ماست که در هرگامی جز در پی راستی‌ها نباشیم و جز خشنودی خدا را نجوییم.

یکتوده خردمند باید از گذشته پند آموزد. این بار سوم است که ایرانیان چشم باز کرده خود را دربرابر یك چنین پیمانی می‌بینند و با داد و غوغا بجلوگیری و ایستادگی میکوشند. یکی درسال ۱۳۲۵ (۱۹۰۷ میلادی) بود که پیمان انگلیس و روس بیرون آمد و مجلس نخستین که آنزمان برپا بود آن را نپذیرفت و از راه وزارت خارجه به پروتست پرداخت. نیز روزنامه‌های ایران گفتارهای گله آمیز بسیار نوشتند. ولی از هیچیکی از اینها نتیجه‌ای بدست نیامد و دودولت آن پیمان را استوار داشته و بکار بستند تا هنگامی که دولت امپراتوری روس برافتاد و داستان از میان رفت.

دیگری درسال ۱۳۳۷ (۱۹۱۹ میلادی) بود که وثوق‌الدوله سررشته‌دار آن روز ایران با دولت انگلیس بست، و چون بیرون آمد در تهران هیاهوی سختی برخاست، و کسانی از آنان که وزارت یافته‌هم بودند ناخشنودی نمودند، و روزنامه‌هایی به گفتارهای تندی برخاستند. کار بجایی رسید که وثوق الدوله ناگزیر شد حاجی محتشم‌السلطنه و مستشارالدوله و کسان دیگری را بکاشان فرستاد. صبا مدیر روزنامه ستاره‌ایران را بقزوین دور راند.

تا دیرگاهی این هیاهو درمیان بود و وثوق‌الدوله ماندن نتوانسته از کار کناره گرفت. ولی پیمان با آنکه از مجلس نگذشته بود همچنان می ماند تا نظر دولت انگلیس دیگر گردید و در زمان سیدضیاءالدین لغو آنرا پذیرفتند.

نمیخواهم این پیمان ۱۳۲۰ را باآن‌دو پیمان پیش یك ترازو گزارم. در این زمینه گفتگو ندارم. خواستم آنست که چنانکه از هیاهوها دربارهٔ آن دو نتیجه ای نشد و گوش ندادند و پس از بیست و اند سال شما همانید که بودید و باز خود را در برابر یکچنان پیمانی می بینید، از هیاهو و فریاد و گله و ناله امروزی نیز هیچ نتیجه نخواهد بود.

شما از چه می‌نالید؟!.. ازدست که گله می کنید؟! سرچشمه همه گرفتاری های شما در میان خودتانست. شما خود بدید که دچار بدی گردیده اید.

دوباره می گویم: گردش این‌جهان از روی یك آیین استواریست، و من اینك یك بندی را از آن آیین برای شما می‌نویسم: «یکمردمی تاخود نیك نباشند ازجهان نیکی نبینند»

کنون شما آیا این را می پذیرید و از درون دل باور می کنید یانه؟.. اگر نمی‌پذیرید باید گفت: معنی جهان و زندگی را نمی شناسید. باید گفت: از راستیها بسیار دورید. اگر می پذیرید و از درون دل باور می کنید در آنحال باید بجای این گله و ناله های بیجا در اندیشه نیکی باشید تا بتوانید از نیکی های جهان بهره‌ور گردید.

شگفت است که در همین روز ها در نشستی این گفتگو می کردم و چون کسانی بگله و ناله پرداخته بودند بایشان پاسخ داده می گفتم: «شما بدید که از جهان بدی می بینید»، یکی از آنان فریاد برآورد: « آقا چگونه ما بدیم؟! دیگران بما زور میگویند و ظلم می کنند.» گفتم «آنهم از بدیتانست. شما اگر نیك باشید کسی نتواند زور گوید. این زور گویی از آنست که ناتوانید و ناتوانی از آن است که آلوده اندیشه های پراکنده و خوهای پستی هستید».

باقی در صفحه دوم

گزارش هفتگی جنگ

چنانکه در شماره یکم نوید داده ایم همیشه در شماره روز پنجشنبه پرچم گزارش جنگ را در یکهفته گذشته خواهیم آورد. ما همه خبر های جنگی را بدانسان که از خبرگزاری پارس می رسد در شماره های خود می آوریم. این برای یکدسته ایست که میخواهند خودشان هر چیزی را جداگانه بخوانند و بدانند. از آنسوی یکدسته نیز خواستارند که نتیجه را بدانند و پیش آمد های جنگی را بروبه تاریخ خوانند. برای این دسته این گزارش هفتگی را میآوریم که داستان جنگ را تا آخر روز چهارشنبه در بر دارد.

نویسنده این گزارش آقای سلطانزاده تبریزیست که در این رشته آگاهی نیکی دارند و خود با خامه شیرینی برشته نوشتن می کشند. امیدمندیم از هفته آینده نقشه هایی نیز برای روشنی مطلب، در این بخش بچاپ رسانیم.

۱ـ جنگ اقیانوس بزرك و شرق دور. حمله های هوایی و دریایی ژاپون بجزیره گینه‌جدید و بجزایر بریتانیا وایرلند تازه دولت استرالیا را دچار اندیشه بسیار ساخته که با عجله هر چه تمامتر بجمع آوری نیرو و مهمات مشغول است تا برای حمله‌های ژاپون که باین زودی احتمال وقوع آن میرود مهیا شوند.

ملت استرالیا از سالها باین طرف متکی بنیروی دریایی انگلیس بوده و تاکنون با فراغت خاطر در گوشه‌ای از اقیانوس بزرك بزندگانی بی سروصدای خود ادامه داده اند.

امنیت این جزیره تا بحال دچار مخاطره بزرگی نگردیده و مردم استرالیا تا امروز مزه تهدیدات خارجی را نچشیده بودند. پیشرفت های سریع ژاپون در جزایر هند هلند و پیاده شدن نیروی زرد در گینه جدید و بریتانیای تازه برای استرالیایی ها پیش‌آمد ناگهانی بوده و باعث تشویش آنها گردیده است.

مطابق آخرین خبر های رسیده نخست‌وزیر استرالیا از امریکای متحده و از دولت انگلیس درخواست کمك کرده و تقاضا نموده است که هر چه زود تر ابزار های جنگی برای استرالیا بفرستند و ضمنا دو خواهش دیگر از دولت انگلیس نموده‌است:

یکم ـ شرکت نماینده استرالیا در کابینه جنگ انگلیس.

دوم ـ تشکیل مجلس مخصوصی برای مدافعه استرالیا.

آقای چرچیل نخست وزیر انگلیس فرستادن کمك های فوری را پذیرفته ولیکن موضوع دو فقره درخواست استرالیا را محتاج بررسی و مشاوره دانسته و چنین پاسخ داده است.

« تنها استرالیا در مدافعه اقیانوس بزرك ذی نفع نبوده و چهار دولت دیگر در این امر دخالت دارند. هرگاه تشکیل مجلس مخصوص برای مدافعه اقیانوس بزرك ضرور باشد باید از نمایندگان هر چهار دولت تشکیل شود »

در شبه جزیره مالزی فعالیت هوا پیمایی انگلیس روز بروز شدت می کند و پیوسته خطوط ارتباطی دشمن را تهدید می کنند. در دو روز پیش شهر باتو پاهات و شهر کوالالامپور بوسیله بمب‌افکنهای انگلیسی بسختی بمباران شدند. نیروی ژاپون بواسطه حمله های متقابله انگلیس ها موفق به پیشرفت نشده و از ٦۰ کیلومتری سنگاپور جلوتر نرفته اند.

نیروی ژاپن از سمت جنوب و از سوی مشرق به شهر مولمن حمله میکنند. اخیراً کمك فراوانی از نیروی چین وارد برمه شده‌اند تا دوش بدوش انگلیس ها وارد کارزار شوند.

نیروی آمریکائیان در فلیپین با این که نسبت بقوای ژاپن بسیار اندك هستند با همهٔ این در برابر حمله های ژاپون رشیدانه پایداری کرده و هنوز شبه جزیرهٔ باتان در دست آنها می باشد.

۲ـ جنگ روس و آلمان ـ نیروی روسیه درمیانهٔ اسمولنسك و دریاچه ایلمن خط دفاعی آلمان ها را شکافته و درظرف این چند روز ساعت بساعت بوسعت شکاف می افزاید و هنوز فرماندهی آلمان موفق به بر ساختن این شکاف و ترمیم خطوط دفاعی خود نشده است

طبق اظهار مطلعین از اوضاع جنگ گویا فرماندهی روس میخواهد ازاین اقدام خود یکی از دو نتیجه را بگیرد:

یکم ـ شکافتن خط محاصره لنینگراد و استخلاص محصورین.

دوم ـ محو ساختن نیروی آلمان که در بین ویازما و اسمولنسك متمرکز شده‌اند.

باحتمال قوی شق اول (شکافتن خط محاصره لنین گراد) منظور فرماندهی کل روس می باشد. فرماندهی آلمان که میخواست در فصل زمستان به نیروی خود «راحت باش» داده و با فراغت خاطر مشغول به تهیه وسایل هجوم های سخت بهار شود معلوم نیست دربرابر این پیش‌آمد های غیرمترقب چه تدابیری اندیشیده و نیروی آن برای بهار چگونه تجدید قوی خواهند کرد؟!

۳ـ جنگ در افریقای شمالی ـ حملهٔ که ژنرال رومل فرمانده نیروی افریقای محور از چند روز پیش آغاز کرده مطابق اخبار رسیده در ۱۲۰ کیلومتری جنوب بنغازی درجریان است و در این حمله نیروی زره پوش هر دوطرف بکار افتاده و با شدت هرچه تمامتر بزدوخورد مشغولند

بطوریکه از لندن اطلاع میدهند هنوز مقصود ژنرال رومل کاملا تشخیص نگردیده و معلوم نیست که آیا همهٔ نیروی محور در این حمله اشتراك کرده و یا صرفاً این حمله برای اکتشاف و بدست آوردن ضعف دشمن شروع گردیده است؟

علی ای حال مادامیکه بندر درنه و بندر بنغازی در دست انگلیس هاست رسانیدن کمك و ابزارهای جنگی بویژه تانکهای سنگین برای نیروی محور چندان آسان نبوده و با کمك های جسته جسته که بطور قاچاق بژنرال رومل میرسد به پیشرفت‌های این ژنرال نباید خیلی خوش بین بود و منتظر فتوحات وسیع نیروی محور گردید. چنانکه اخیراً هوا پیما های انگلیس یك قطار از کشتی های محور را که برای رسانیدن کمك به نیروی رومل رهسپار افریقا بودند کشف و مورد هجوم های سخت هواپیماهای اژدر افکن قرار داده اند و در این قطار یك کشتی ۲۰ هزار تونی بوده که میگویند اژدر خورده و با دو کشتی دیگر غرق شده است.

٤ـ کنفرانس ریودوژانیرو ـ کنفرانس مهمی که از چندی پیش در ریودوژانیرو پایتخت برزیل بین همه‌دولت های امریکا تشکیل شده بود کارهای خود را خاتمه و در بین خود چنین قرار دادند که دولت امریکا مناسبات سیاسی خود را با دول محور قطع نمایند فقط دول آرژانتین و شیلی موضوع را بکنگره منعقده در کشور خود محول ساخته اند تا برحسب تصمیم کنگره رفتار نمایند.

جمهوری اوروگوای مناسبات خود را قطع و گذر نامه نمایندگان دول محور را بدستشان داده است.

دولت های امریکا عموما بدور دولت امریکای متحده جمع و تقریبا اتحادی در نیم کره غربی تشکیل داده اند.

دولت سیام نیز در این هفته گذشته بمباردمان شهر بانکوك پایتخت خود را بهانه قرار داده و بدولت امریکا و انگلیس اعلان جنگ داد. البته معلوم است که این اعلان جنگ سیام تأثیری در اوضاع جنگ کنونی نخواهد داشت.

۵ـ آمادگی برای بهار ـ خبرهای رسیده از اروپای مرکزی عموماً حاکی بر این هستند که آلمان با عجله هرچه تمامتر برای بهار آماده میشود و در صدد آنست که در کشور های زیر اشغال خود نیز تهیه نیرو و کمك بنماید. گویا بلغار ها زیر بار تقاضا های آلمان نرفته و حاضر نشده اند سربازان بلغاری در خارج از مرزهای کشور خود بجنگ پردازند و بهمین علت آلمانها موافقت نموده اند سربازان بلغاری جای سربازان آلمانی را در یوگسلاوی اشغال و از این رو کمکی بآلمان بنمایند تا بتواند نیروهای متمرکز در یوگسلاوی را بجبهه جنگ بفرستند یا بعبارت دیگر سربازان بلغار وظیفه ژاندارم را بعهده بگیرند!

از یکی دو منبع مختلف خبر رسیده که فون ریبن تروپ وزیر خارجه آلمان قصد مسافرت به بخارست پای تخت رومانی را دارد و ضمناً از صوفیه پای تخت بلغارستان نیز دیدن خواهد کرد. اخبار آلمان این شایعه را تکذیب نکرده اند ولی انتشار خبری را که میگفتند بوریس پادشاه بلغارستان به برلن خواهد رفت تکذیب شد.

البته همه این تلاش های آلمان برای بهار آینده است که سخت افکار زمامداران آلمان را بخود مشغول ساخته است.

موضوع جبهه شرق که بزعم فرماندهی کل آلمان کار یکی دو ماه بیش نبود فعلا قریب به هشت ماه است که نیروی آلمان را به تحلیل میبرد و هنوز عاقبت کار روشن و معلوم نیست که چندین صد هزار ها نفر دیگر قربانی این نقشه نا آزموده خواهد شد؟!

٦ـ نطق مستر چرچیل ـ یك حادثه مهم دیگر این هفته نطق مستر چرچیل نخست وزیر انگلیس در مجلس شوری است. این نطق را در همه جا منتظر بودند زیرا پس از بازگشت نخست وزیر انگلیس از سفر امریکا علی القاعده بایستی گزارشی از سفر خود به پارلمان دهد. از طرف دیگر در این هنگام که جنگ خاور دور اهمیت بی اندازه پیدا کرده و بگفته خود چرچیل اطلاعات بدی از آنجا میرسد و استرالیا دست یاوری طلبی بسوی لندن دراز کرده بایستی درمجلس شورای انگلیس گفتگو شود.

در اینمیان پاره خبرهایی درباره بی اعتمادی مردم انگلیس به برخی از وزیران کابینهٔ چرچیل در همه جا بخصوص در کشورهای دول محور انتشار یافته بود. از آنرو در همه جا چشم براه این نطق بودند. این است روز ۷ بهمن در مجلس شوری نطق مفصلی کرد که چون در همین شمارهٔ پرچم خود نطق آورده شده دیگر ما از آن چیزی اقتباس نمیکنیم.

آنچه مطلعین معتقدند از مجلس شوری رأی اعتماد به مستر چرچیل ابراز خواهد شد. اگر تغییری منظور شود در برخی از وزیران خواهد بود.

شادروان شاهزاده ضیاء الدوله



شاهزاده امان‌الله‌میرزا ضیاء الدوله در سال ۱۳۲۹ در آذربایجان سر رشته‌دار کار های والیگری بود. و چون در ذی حجه آن سال جنگ در میان آزادی خواهان با سپاه تزار در گرفت این مرد جان فشانیهای مردانه دریغ نگفت و سپس ناگزیر شده بکونسولخانهٔ انگلیس پناهنده گردید و در آنجا در نتیجه یك اندیشه‌هایی خود را کشت

برای دانستن سر گذشت او بخش چهارم « تاریخ هجده سالهٔ آذربایجان» خوانده شود

در پیرامون گرانی

—۳—

یکرشته دیگری از سختی زندگانی از رهگذر خوار و بار است. بویژه در تهران که از این باره گله بسیاری از مردم شنیده میشود، وراستی آنست که از شهریور ماه باینسو نرخ برخی خوار و بار بسیار بالا رفته و از تناسب بیرون افتاده.

در آن روزها که جنگ و آشوب در میان بود و مردم رو بخواروبار آورده و بهر بهایی که یافت میشد میخریدند و می‌اندوختند ناگزیر نرخها بالا رفت (مثلا روغن از ۴۰ ریال به ۱۱۰ ریال رسید) سپس با همه آرامش و ایمنی این نرخها بحال خود باز نگشت وجز اندکی پایین نیامد.

اگرچه برای این گرانی نیز علتهایی شمرده میشود، زیرا درسایه کمیابی رزین و افزار اتومبیل ناگزیر کرایه ها بالا رفته، از آنسوی در برخی جاها هنوز نا ایمنی هست واین از آمدن خوار وبار از آنجا جلو می گیرد. نیز کسانی میگویند در ضمن کوچانیدن ایلها و تخته قاپو گردانیدن ایشان بسیاری از گله ها و رمه هاشان از میان رفته و یك سرچشمه بزرگی برای روغن و ماست‌وپنیرخوشانیده شده - لیکن بااین همه باید گفت دراین گرانی انبار داری برخی‌بازرگانان‌وسودجویی‌برخی‌فروشندگان علت بزرگتری میباشد..

در باره انبار داری ما در گفتار پیش چیزی ننوشتیم. ولی آگاهانی میگویند: نباید آنرا خرد شمرد و چشم پوشید. میگویند: درهمین‌تهران‌انبار های بزرك و کوچك فراوان میباشد و آنچه بروی زمین کم دیده میشود در زیر زمین بسیاراست. می گویند: علت گرانی خواروبار بیش از کمی آنها رفتار انبار دارانست. میگویند: آن روز ها که دولت قند و برنج را بشعبه های فروش می‌فرستادند که آزادانه بفروشند بیشتر فروشندگان هر کدام انباری تهیه کرده بودند وآنچه ... بکم پولان نمیفروختند از بیش پولان دریغ نمی‌کردند.

اینها سخنانیست که‌میگویندواز بس‌آز و سود جویی به‌مردم چیره گردیده ورشته درستکاری ازهم گسیخته گمان بسیاری براست بودن‌آنهاداریم.

چنانکه دیده میشود چند علتی دست بهم داده و مایه گرانی خواروبار گردیده. ازآنسوی‌دراینجا يك علت بزرك دیگری هست، و آن این که از سالیان دراز کشاورزی و چهار پا داری رو بکمی نهاده، و درسایه علت هایی که باید در جای خود بشماریم، دیه ها رفته رفته کوچکتر گردیده، واین از یکسو خواروبار را کم گردانیده وازسوی‌دیگر مایه کاستن از شماره مردم میباشد.

از اینرو ما بچاره این درد خواهیم کوشید و چنانکه سپس خواهیم‌آورد شانزده ماده که دربرچم گفتگو ازآنها خواهیم داشت و آزادانه‌درپیرامون آنها بتلاش خواهیم پرداخت، یکی هم بزرك گردانیدن دیه ها و کوشیدن به آبادی آنهاست

چاره اساسی این‌خواهد بود. ولی کنون‌بایدجلو گیری ازانبارداری کرد. ماچشم‌براهیم که‌قانونی که در این باره تهیه کرده بزودی از مجلس گذرد و بکار بسته شود و این قانونیست که به آسانی بیش خواهد رفت. زیرا مردم چون علاقه‌مندند از کمك بازنخواهند ایستادو هرکس‌هرانباری سراغ گرفت از بزرك یا کوچك آگاهی داد. زیرا این‌جاسوس یا سخن چین شمرده نمیشود این خود نبردی با بد کردارانست.

این کار شهرداری که چندتامغازه برای‌فروش خوار وبار باز کرده نیکست. ولی نخست بایدگفت این مغازه ها اگر باندازه کافی نباشد هجوم مردم نتیجه مطلوبه را از میان خواهد برد. مگر باندازه کفایت همه شهر باشد و جلو گیری از نادرستیها کرده شود. اینها چیزهایست که خود شهرداری هم می‌داند وما نمیخواهیم درپیرامون آن گفتگو کنیم

من میخواهم بگویم: نتیجه نیکی که از توزیع کوپن قند و شکربدست آمد همه را بسودمندبودن آن ترتیب قانع گردانیده. پیش از توزیع کوپن دولت باندازه کافی قند و شکر بشعبه ها میداد در حالیکه‌خاندانهای‌آبرومند کمتر بهره ازآن‌میدیدند و خود هجوم در جلو شعبه ها يك منظره بدی را پدید می آورد. از آنسوی نادرستیهای بی اندازه رخ میداد و بسیاری از مردم قند را از آنجاخریده در بازار و دیگر جاها بقیمت گران میفروختند. با اینحال آیا بهتر نیست درقسمتهای دیگر خواروبار و دربایست های زندگانی نیز همان ترتیب توزیع کوپن‌پیش گرفته‌شود؟.. این پرسش ویادآوریست و نمیخواهیم‌در یکموضوعی که خود وزارت‌دارائی یاشهرداری توجه دارد و آزمایش می کند ما به راهنمایی پردازیم.

خوانندگان‌پرچم سپس خواهند دید که ماهوا دار دخالت دولت در کار بازرگانی نیستیم و این‌را سودمند نمیدانیم. ولی این زمان دیگر است واین کار جز از بازرگانیست. در چنین هنگام جهان‌اگر رشته خوار وبار در دست دولت باشد بسیار بهتر است از آنکه در دست سوداگران آزمند سودجو

در بارهٔ خوارو بار ما از گرانی گله‌بسیارنمی کنیم. زیرا آنچه ما خود میدانیم جز برخی ازآنها از تناسب بیرون نرفته. از آنسوی کمی‌فزونی در بهای اینها اگر از یکسو بزیان خورندگانست از سوی‌دیگر مایه‌تشویق بدید آورندگان آنهاخواهد بود. ما هر فزونی بهارا «گرانی» نمی‌شناسیم‌واز هرگرانی هم شکایت نخواهیم داشت. آنچه مارابه این نوشته وامیداردنخست انتظام بخش آنهاست که میخواهیم بهمگی برسد.

دوم دربارهٔ خواروبار ما بیش ازهمه‌بپاکیزگی و خالصی آنهاعلاقه مندیم.امروز يك بدی‌خواروبار مخلوط بودن آنهاست. بویژه در تهران که این گرفتاری بیشتر است. مثلا در تهران کمتر ماست درست یا شیر خالص توان پیدا کرد. در باره‌روغن بیك گفتار جداگانه‌نیاز هست. ما چنانکه‌می‌شنویم در برخی‌شهرها (از جمله دراردبیل) شرکتی‌برای تهیه روغنهای مخلوط تشکیل گردیده. این قسمت بیش از همه مورد نظر ماست ومیخواهیم از این جلوگیری بعمل آید.

آذربایگان

این نوشته از دارندهٔ پرچم در سال ۱۳۰۹ در شمارهٔ هفتم سال یکم روز نامهٔ شاهین چاپ یافته و چون کنون دربرچم از آذربایجان وزبان آن سخن میرود بهتر میدانیم آنرا دراین جا بیاوریم.

در میان استان های ایران شاید کم کمتر یکی باندازهٔ نام آذر بایگان بگوشها آشنا باشد، بویژه پس از آغاز دورهٔ مشروطه که چون آنهمه فیروزی ها درجنبشهای انقلابی بهرهٔ این سرزمین گردیدنام «آذر بایجان» مطبوعات ایران و اروپا را پر کرد.

این نام از دو هزار سال پیش یکی از مشهور ترین نامهای جغرافی ایران ودرهر دوره با یکرشته حوادث مهم تاریخی توام بوده است. ولی اگر در کتابها جستجو نماییم همواره این نامرا بشکلهای گوناگون نگاشته‌اند:

«آذربایجان»و«آذربایگان» و«آذربادگان» هرسه شکل در کتابهای فارسی معروفست. فردوسی «آذرآبادگان»نظم نموده:

یك ماه در آذر آبادگان
ببودند شاهان و آزادگان

(نقل ازفرهنگ سروری)

تازیکان «آذربیجان» میخوانند. در کتابهای ارمنی «آذربایاقان» و «آذربادااقان» هردو را نوشته اند. در کتابهای کهنهٔ پهلوی «آتورپاتکان» است.

میخواهیم بدانیم که‌از این شکلهای گوناگون کدام يك راستر وبهتر است. و آنگاه ازکی این نام بدان سرزمین نهاده شده؟ و معنی نام وعلت نام گزاری چیست؟..

در بارهٔ پیدایش نام آذربایگان نوشتهٔ‌استرابون جغرافی نگار معروف یونانی از همه بهتر و راستر است بنوشتهٔ اوچون دور پادشاهی هخامنشیان‌بپایان آمده الکسندرماکدونی‌برایران دست یافت‌سرداری بنام اتورپات درآذربایگان برخاسته آن سرزمین‌را که بخشی‌ازخاك‌مادان و بنام «ماد کوچك» معروف بود از افتادن بدست یونانیان نگاهداشت و آن سرزمین بنام او «آتورپاتکان» خوانده شد. مردم اتورپات را بپادشاهی برگزیدند و او خاك خود را دارای استقلال ساخت. استرابون‌که کتاب خود را درزمان پادشاهی اشکانیان (نزدیك بتاریخ ولادت مسیح) تألیف نموده میگوید: «هنوز جانشینان اتورپات‌هستندواستقلال‌دارند و گاهی نیزباپادشاهان ارمنستان وبا اشکانیان وبا حکمرانان سوریاخویشی کرده اند.

از این نوشته استرابو چندین مطلب بدست میآید:

یکی آنکه‌نام‌آذربایگان که‌اصل آن اتورپاتکان بوده از زمان اسکندر ماکدونی که تاکنون بیست و دوقرن و نیم فزون‌تر است پیدا شده و پیش از آن سرزمین‌آذربایگان‌چون‌بخشی از ماد یا (خاك‌مادان) بود جزبنام «ماد» خوانده نمیشد نهایت آنکه‌همدان وان‌نواحی را ماد بزرك وآذربایگان راماد کوچك میخواندند. چنانچه نشانهٔ نام‌ماد هنوز درآذربایگان باقی‌است‌زیرادشت‌بزرگی‌راکه از غرب شهر تبریز تاکنار دریاچه‌ارومی‌ممتد است تا آنجا که‌ماآگاهی داریم‌تازمان استیلای مغول«دشت ماهان» یا«دشت مایان» میخواندند که (دشت مادان) مقصود است زیرادرزمان ساسانیان و در اوایل اسلام بجای ماد (ماه) میگفتند و در آذربایگان (مای) خوانده‌میشد وشوره دیهی که درآخر دشت مزبور تاکنون برپا وبنام مایان معروفست آخرین نشانهٔ نام ماد است که باز مانده.

مطلب دیگر که از نوشته استرابو برمیآید این است که نام‌آذربایگان یا آتورپاتکان از نام سردار آتورپات فرمانفرمای‌آنجابرخاسته است وعلتهایی که‌مولفان‌دورهٔ‌مغول(از رشیدالدین‌وزیرودیگران) برای پیدایش این نام ذکر نموده و بهانه بدست نویسندگان خام ترك داده اند جز یکرشته افسانهای بی سر وبن نمی‌باشد (۱) و همچنین معنی که فرهنگ نویسان ایران برای کلمهٔ مزبورپنداشته و علت پیدایش آنرا بودن‌آتشکده‌ها در آذربایگان نگاشته اند معنی درستی نیست.

مطلب سوم که راجع بتاریخ است آنکه آذربایگان دراستیلای یونانیان‌یوغ‌زیردستی‌بیگانگان‌را بگردن‌نگرفته آزادی‌واستقلال‌خودرانگاهداشت (۱) ودر زمان اشکانیان هم آزاد واز دیگر ولایتهای ایران جداپودولی در خور افسوس است که ازاتورپات وخاندانش که بنیاد این آزادی آذربایگان را گزارده واقلا سیصد سال فرمانروایی آن سرزمین را داشتند هیچگونه آگاهی (جز آنچه از نوشته استرابو و پلوتارخ و برخی تاریخنگاران روم و یونان برمیآید) دردست نیست وتاکنون سکه‌ای‌هم از ایشان دیده نشده است.

اینکه گفتیم نوشته‌استرابودربارهٔ نام‌آذربایگان درست‌تر است بدین جهت است که او در اواسط پادشاهی اشکانیان زیسته و بزمان اتورپات بسیار نزدیك بوده وآشکاره مینویسد که هنوز در زمان او خاندان اتورپات بر پا و از روی استقلال در آذربایگان فرمان میرانده اند بااین نزدیکی معلوم است که او آگاهی درست از موضوع داشته‌وآنگاه استرابویکی ازبهترین‌مولفان باستان‌است‌ونگارش های او دربازار دانش همه‌گونه ارزش وبها دارد.

گذشته از آنکه زبانشناسی نوشتهٔ استرابو را از هرجهت تایید مینماید زیرا این بی‌گفتگو است که نام آذر باد یا آتورپات میانهٔ ایرانیان معمول بوده و کسان بسیاری بدین نام در تاریخها معروفند (۲). از سوی دیگر نامیدن شهرها بانام کسان با افزودن کلمه(کان) یا(گان)به‌آخر آن‌نیز معمول‌بوده و مامثالهای بسیاری برای‌این مطلب داریم که از جمله آنها(گلپایگان) است که‌دراصل‌و(ورتپاتگان) بوده و(ورتپات) نام کسی است.

از این تفصیل پیداست که آذر بایگان یااتورپاتکان که اکنون يك کلمه شمرده میشود در اصل از سه کلمه ترکیب یافته:

۱ - آتور یاآذر،
۲ - پات یا پای؛
۳ - کان یاگان،

ومابرای اینکه شکل درست کلمه و معنی آنرا بدست بیاوریم‌ناچاریم که ازاین سه کلمه‌ازهر کدام جداگانه سخن برانیم:

۱ - آتور: این کلمه یکی از کلمهای مشهور فارسی کهنه یاپهلوی‌ومعنی آن معلوم است که‌آتش است. این کلمه سپس آذرشده که هنوز در فارسی امروزی متداول میباشد. ولی‌این‌شگفت است که با آنکه دالهای نقطه دارکه در آخر دورهٔ ساسانیان واوائل‌اسلام‌معمول بوده‌امروزآنهادال‌بی‌نقطه‌هستند وفرق‌میانهٔ‌دال‌وذال که درشعر تادوره مغول مراعات میکردندوقواعدی‌برای‌فرق‌مزبوروضع کرده بودند که‌معروف است‌اکنون‌ازمیانه رفته درشعرنیز آن رامراعات نمینمایند.باینهمه ذال آذربحال خودباقی است وبدال بی‌نقطه تبدیل نیافته لیکن‌ازروی‌قواعد هیچ مانع ندارد که کسی آذر بایگان را بادال بی نقطه بخواند یا بنویسد چنانکه روستاییان آذربایگان‌نیز سرزمین‌خودرا‌آذربیجان‌بادال‌بی‌نقطه میخوانند.

۲ - پات: مصدر پاییدن که‌معنی‌نگهبانی کردن است درپهلوی پاتن بوده گویا پات اتور پاتکان هم‌مشتق از آن است و از این رو معنی اتورپات «آتش‌نگهدار» ومعنی‌ورتپات(گل‌نگهدار)بوده ولی من درباره پات‌شك دارم که از چه کلمه‌مشتق‌ودارای کدام معنی باشد وتنها از روی احتمال است که می گویم‌از پاتن‌مشتق میباشد.

بهرحال پات مدتی پاذ وسپس باد شده وچون درلهجه همدان وآذربایگان بسیاری ازدالهاتبدیل بیا میابد چنانکه مادان اکنون مایان‌است وماده(ضد نر) هنوز در زبان آذربایگان «مایه» گفته میشود بالاخره پات هم پای گردیده.

لیکن پاء سه نقطه برای چه تبدیل به باء يك نقطه یافته؟..

من گاهی گمان میکنم که آذریان «مردم باستان آذربایگان» پاء سه نقطه را همچون دیگر مردم ایران ادا ننموده نزدیك بباء يك نقطه ادا می کرده اند. (چنانکه ارمنیان همین ترتیب را دارند) (۱) و علت تبدیل پاء سه نقطهٔ پات به باء يك‌نقطه همین بود. ولی بهرحال‌مانعی‌نیست که ماا کنون آذربایگان را با پاء سه نقطه (آذرپایگان) بخوانیم.

۳ - کان: این کلمه که سپس گان «با گاف پارسی» گردیده در آخر نامهای شهر ها و دیه ها فراوان آمده: چنانکه اردکان و گوگان و زنگان وارزنگان‌وبسیارمانندانیها ودربارهٔ‌معنی آن‌دواحتمال می‌توان دادیکی آنکه بمعنی جا و زمین باشدچنانکه مااین‌مطلب رادرجای دیگر با دلائل ثابت‌کرده‌ایم. (در دفتر دومین نامهای شهر و دیه های ایران) و دیگری‌آنکه بمعنی نسبت باشد چنانکه درکلمه های بازارگان وشایگان ودهگان (دهقان) و رایگان (راهگان) وشایگاه (شاهگان)بهمین معنی است.

بهرحال‌از اینجا معنی آذربایگان روشن میشود یعنی سرزمین یا شهر آذرباد. اماشکل راست کلمه از آنچه تا اینجا گفتیم پیداست که شکل نخستین و دیرین‌آن اتورپاتکان بوده که در کتابهای پهلوی بدان‌شکل‌می‌نگارند.سپس‌این‌نام آذربادگان وسپس آذربادگان پس‌از آن آذربایگان شده که هر کدام در زمان خود درست بوده و اکنون آذربایگان راست است و چون در برخی شهر های ایران بویژه در نواحی جنوب گاف فارسی را تبدیل بجیم می کرده اند، آذربایجان باجیم نیز غلط نیست ولی چون اکنون اثری از قاعده تبدیل گاف بجیم باقی نیست و انگاه آذربایجان با جیم بشکل معرب‌کلمه نزدیکتر است ازاین جهت من بکاربردن این شکل‌را نمی پسندم و در این گفتار آنرا بکار نبرده ام.

اما آذرابادگان غلط‌محض‌است. فردوسی‌شاید خواسته تفنن بکار برده از نام سرزمین صفتی مشتق سازد یا اینکه وزن شعر او را بکار بردن آن کلمه ناچار نموده است. بهر حال نباید پنداشت که کلمه مزبور بنیاد راستی دارد و میتوان آنرا بکار برد.

چون‌درمیان سخن نام‌گلپایگان برده‌گفتیم‌اصل آن وردپاتکان بوده بهتر آنست که در پایان گفتار چند سطری هم درباره آن نام بنگاریم:

کلمهٔ ورد یا وارد بمعنی گل سرخ فارسی است نه‌عربی. تازیکان کلمه راازفارسی‌برداشته‌اند چنانکه ارمنیان هم برداشته و بمعنی گل سرخ بکار میبرند بلکه باید گفت که‌کلمهٔ ورد با کلمهٔ گل یکی است یعنی ورد در نتیجه تغییراتی که از روی قواعد زبان شناسی در آن رخ داده تبدیل به‌گل یافته است.

تفصیل‌این مطلب‌آنکه درعلم زبانشناسی‌پارسی این معلوم است که بسیاری از واوهای زبان قدیم‌در زبان امروزی تبدیل به‌گاف شده، چنانکه کلمهای گزند و گراز و گرگ در اصل وزند و وراز و ورگ بوده ومانند اینها بسیار است. واو واردهم تبدیل بگاف شده و کلمه گارد یا گرد گردیده. چنانکه‌گلپایگان را هم در اواخر ساسانیان واوایل اسلام «گرد پاذکان» می گفتند و تازیکان معرب نموده جردباذکان نامیده اند (معجم البلدان یاقوت دیده شود) سپس از روی قاعده دیگری که آن‌نیز درزبانشناسی ایران معروفست راء و دال تبدیل‌بلام یافته‌و کلمه گاردمبدل‌بگال سپس مبدل‌بگول‌وسپس مبدل بگل شده و بالاخره وردپایکان «گلپایگان» شده‌یعنی: شهر گلباد و چنانکه گفتیم گلبادازنامهای معروف ایرانی بوده است.

(۱) «گویندوقتیکه اغوز آن ولایت گرفت صحراو مرغزار اوجان که‌یکی از محال آذربایجان است اورا خوش آمد و فرمود که هریك از مردم او یکدامن خاك بیاورند و آنجا بریزند وخودبنفس خود یکدامن خاك آورد وبریخت تمامت لشکر و مردم هر يك دامنی خاك بیاوردند و بریختند پشته عظیمی بهم‌رسید نام آن پشته را آذربایکان کردچه آذر بلغت ترکی بمعنی بلند است و بایگان بمعنی بزرگان و محتشمان ...» دانسته نیست آن خاك‌را از کجا آوردند؟..

(۱) کسانی پنداشته‌اند اتورپات یونانی و از سرداران اسکندربوده وآن نیز بیپاست زیرا از نام اتورپات‌بیگمان‌است که‌اوایرانی بودگذشته‌از نوشته های استرابون.

(۲) از جمله آذرباد مارسپندان که دفتری در اندرز به‌پهلوی ازو دردست است.

(۱) هنوز در آذربایجان «پس» را «بس» می گویند.

تبریز — آزادگان

«خجسته‌باد» تلگرافی‌شمابدست‌آقای‌واعظ‌پور رسیده. خدا ما را در این راه فیروز گرداند. بهمه همراهان درود و سپاس ارمغان می کنیم.

در باره پیمان ایران باانگلیس وروس

بقیه از صفحه اول

دیگری گفت. «تامردم بیایند نیك شوند فرصت از دست رفته. باید هر چه زودتر کاری کرد گفتم: چکار توانید کرد؟!.. شما گله و هیاهو را کار میشمارید و همین‌نشان نافهمی شماست. شما با این حالی که هستید چه توانید کرد، جز آن که فلان وکیل با صد بد نامی که دارد در مجلس يك نطق بسیار درازی کند و از روزنامه ها نیز توقع درج آنرا داشته باشد، و بهمان وکیل که ما میدانیم جز پول بهیچ چیزی پابندی ندارد برویه کاری ایرادهایی کند، و فلان شاعر شعرهایی گوید وبدست این وآن دهد؟!.. آیا از اینها چه سودی تواند بود؟!. همین کسان تا چه اندازه بجانفشانی آماده اند؟. جان فشانی بماند. تاچه اندازه بزیان‌پولی تحمل توانند کرد؟..

چه شده است که هر زمان نام نیك گردیدن، بمیان می آید شما میرمید؟.. چه شده است که نمیخواهید از راهش بچاره کوشید؟... میگویند: «تا آن زمان فرصت از دست رفته» میگوییم: «نرفته و شما هر زمان نیك شدید و این آلودگیها را از خود دور ساختید فرصت در دست شما خواهد بود» بالاخره راه جز این دو نیست: یا باید باین ذلت و خواری تن در دهید و دیگر آوازی ازخود درنیاورید، و یا به نیکی خودتان و توده تان بکوشید. اینکه میخواهید خودرا نیك نگردانید و با آن همه آزاد وسر فراز زندگی کنید، آرزوی بسیار خامیست. بلکه باید گفت: با طبیعت جنگیدن است.

بسخن بیش ازاین دامنه نمیدهم. گفته‌ایم این روزنامه‌یکراهی را دنبال می کند، ونوید داده‌ایم که آن راه را برای آگاهی خوانندگان شرح دهیم. اینك از این گفتار بآن آغاز کردیم.

باید گفت: درزندگانی‌دوراه هست: یکی‌راه‌هوس ودیگری راه‌خرد. راه هوس‌آنست که‌بچگان دارند، زنان‌دارند،جوانان‌ناآزموده‌دارند. هرچه‌دلشان‌خواست‌می کنند. اندیشه‌بکارنمی‌برند، جزدرپی‌خوشی های خود نباشند، وچون در نتیجه کارهای ناستوده خود گرفتار گردیدند آن زمان هم بگریه و ناله بس کنند و دل سر گردانند. راه خرد آن‌است که مردان آزموده و خردمند دارند، و در هر چیزی جستجوی ریشه وسرچشمه آن کنند، و بهیچ کاری جز از روی اندیشه درنیایند، و از هر کوششی دربند نتیجه‌باشند، و بهر دردی از راهش چاره جویند.

امروز بسیاری از ایرانیان راه هوس را پیش گرفته اند و از اندیشه و خرد کمتر بهره ور می گردند. ولی ما در نوشتن پرچم و در کوشش هایی که خواهیم بکار برد یکسره راه خرد را پیش خواهیم گرفت.

اما این که نیکی چیست و ما چگونه نیك باشیم زمینه ایست که درشماره های آینده گفتار های بسیار در پیرامون آن خواهیم نوشت. این راهی که ما میرویم همان راه نیکی توده است.

گزارش کشور

تشکیل کمسیون رسیدگی بشکایات

ازقراراطلاع کمسیونی دروزارت کشور تشکیل شده که‌بشکایات‌واظهارات آقایان ذیل‌سهراب‌قشقایی شاهرخ‌شادلو ورثهٔ سردار بجنوردی. سردارناصر سنجابی. غضنفری لرستانی. علی قلی ابو قداره طایفه‌بویراحمدی. ورثه‌امامقلی‌رستم‌ممسنی. مرتضی و نصرت‌الله اعظمی. بیراوند لرستانی. فتح‌الله‌پور سرتیپ لرستانی. امیر بهار لوها. میر محمدو میر اسفندیاری.عباس‌قبادیان کلهر.شیخ محمدجاه کوتاهی و غیره

که راجع به استرداد املاك خودشان داشته اند هرچه زودتر رسیدگی نمایند

اقدام بلوله‌کشی در تهران

شهرداری تهران مشغول تهیه مقدمات ساختمان مخزن‌آب و لوله کشی‌تهران میباشدا کنون‌بشر کتها و بنگاههای‌فنی‌رسانده است که طرحهاوپیشنهادهای خود را باداره فنی شهرداری تهران بدهند تا اقدام مقتضی بعمل آید.

بازدید ضرابخانه

دانشجویان کلاس دوم هنر سرایعالی وزارت پیشه و هنر برحسب‌تقاضای آن وزارتخانه‌صبح‌روز دوشنبه ٦ بهمن بسرپرستی آقای مهندس خرسند بضرابخانه رفتند و کارخانه های ضرب سکه و وزنه سازی ضرابخانه را ملاحظه کرده و ازطرف قسمت فنی آن اداره‌توضیحات لازم‌راجع به طرز کارماشین آلات بدانش جویان داده شد.

انتصاب

ازطرف‌وزارت دارائی آقای‌احمد ولائی بسمت دادیاری دیوان دادرسی دارایی‌منصوب ومشغول‌کار شده اند

قطع تلگراف بی‌سیم

طبق اطلاعی که تلگرافی از نمایندهٔ کابل وبی سیم کراچی بوزارت پست و تلگراف وتلفن رسیده رابطهٔ تلگرافی‌بالابوآن - برونئو - سارواك‌برنئو شمالی و همچنین‌سمت مالاکا که از طرف ژاپون اشغال‌شده مقطوع است بنابراین بااین‌نقاط‌تلگراف قبول نمیشود.

برنامه موسیقی رادیو تهران

در روز آدینه ۱۰ بهمن ماه ۱۳۲۰ در بخش دوم برنامه رادیو:

قسمت اول ساعت ۱۸ - پیش درآمدبیات‌ترك. آواز با تار آقای شهنازی. تصنیف (سحرگاهان). خواننده آقای بدیع زاده

قسمت دوم‌ساعت ۱۹- پیانو تنهای‌آقای‌محجوبی (سه گاه). سنتور تنهای آقای سماعی (شوشتری)

در بخش سوم برنامه رادیو:

ساعت ۱۵-۲۰ پیش در آمد ماهور - آواز با سنتور آقای سماعی تصنیف (ماه وپروین).خواننده آقای بدیع زاده.

برنامهٔ رادیو تهران

روز جمعه دهم بهمن ماه ۱۳۲۰ در تمام مدت اجرای برنامه باموج متوسط بطول ۲ر۳۳۵ متر برابر ۸۹۵ کیلو سیکل در ثانیه پخش میشود. بعلاوه از ساعت ۱۵ — ۲۰ تا ۲۳ برنامه با موج کوتاه ٤٧ر٤٨ متر نیز پخش میشود.

بخش اول

ساعت ۱۱ سرود ملی — اعلام برنامه — موسیقی

نگارش هارل سن موریس — -٤- — **ترجمه میرزاده نظیفی**

کشف امریکا

بخش یکم از قسمت اول

کریستف کلمب

باوجود این ، خیانت نامبرده برای حکومت تبه کار ناسودمند افتاد. چه : او یك کشتی‌را باشتاب تجهیز کرده و فرمانروایی آن‌را بیك رئیس کشتی که‌مامور اجرای نقشه کلمب شده بود واگذار کرد . ولی این رئیس عقیدهٔ که‌برای اجرای این اقدام مهم خیلی لازم بود نداشت . او مدتی بطرف‌مغرب کشتی رانی نمود ولی بزودی از این مسافرت بی نتیجه خسته شده و به لیزبون باز گشت و شکوه و نامیدی او باعث شك در صحت نقشه کلمب گردید و کلمب از بد پیمانی حکومت پرتغال‌دلگیر شده بزودی لیزبون‌را ترك گفته راه مادرید را پیش گرفت. ولی از شدت نامیدی‌برادر خود بارتلمی را برای درخواست کمك بانگلستان رهسپار ساخت.

در این هنگام پادشاه اسپانی‌فردیناند ملقب به‌کاتولیك بود . شاهزاده که سیاست‌محرمانه واخلاق محجوبش دور از این بود که داخل اینگونه اقدامات خطرناك بشود از طرفی تیز بجنك بر ضد آخرین پادشاه مورهای (عربها) اندلس که شهر گرناد پایتخت آن بود اشتغال داشت . بنابراین پیش آمد ها برای کلمب غیر مساعد بوده و ابدا نمی توانست امیدوار باشد که نقشه هایش را بپذیرند . با وجود این فردیناندو ملکه ایزابل اورا باخون گرمی پذیرفتند وباکمال دقت نظریات اورا شنیدند وبنظر میرسید که حرفهای‌اورا فهمیده‌اند. اما حرفهای کلمب بحدی‌جسورانه بود که پادشاه جرات نکرد قبل‌ازمعرفی‌او بمردانی که بدانشمندی اشتهار داشتند خواهش اورا بپذیرد ، این اشخاص که معلوماتشان خیلی محدود بود در حالیکه اعتراضات غریب و عجیب و ایراد های نامربوط میکرفتند نادانی خودرا بکلمب ثابت نمودند . از جمله ایرادات‌آنکه آنکه ... بعقیده عدهٔ از آنها دریائی که میان اروپا و هندوستان گسترده شده بقدری وسیع خواهد بود که برای رسیدن بنزدیکترین نقطه آن باری سه سال کشتی رانی لازمست آنهم در صورتیکه‌سوء اتفاقی رخ نداده و دور فلك بروفق مراد باشد .

بعضی از آنها مدعی بودند که در صورت کرویت زمین ممکن نیست که همیشه بطرف پائین بروند و بعد از رفتن اگر بخواهند بر گردند مجبور هستند که سر بالائی بیایند و اینهم نشدنی است واو اینکه باد هم ببالا آمدنشان کمك کند . در میان آنان برخی در پی ریشخند او بودند و باپرسش‌های‌ابلهانه وی را می آزردند. ازجمله اینکه آیا تو عالم‌تر از دانشمندانی هستی که قبل از تو میزیسته اند و اگر ممکن بود وجود زمین را در طرف دیگر کره ما بپذیرند آیا این زمینها در مدت قرنهای متمادی می توانستند غیرمکشوف بمانند. کلمب با حماقت و تهی مغزی اینگونه ازقضاة از مقصد برنگشته برعکس در مقابل این‌ایراداتی که گاهی بصورت فحش وبی احترامی جلوه مینمود ابداً کینه و خشمی آشکار نکرده و خودداری و سکوت را بحدی رساند که منجر بمباحثه و مذاکره گردید . اگر شهادت انکار نا پذیر تاریخ پشت‌کار خسته نشدنی کلمب را ثابت‌نمی‌نمود و شاهد آن نمیگشت آیا چه کسی اینهارا باورمیکرد؟ او پنج سال را در این مباحثات تمام نشدنی گذراند . اما هنگامیکه نزدیك بود امیدوار برسیدن مقاصد و کوشش بشود شنید که بپادشاه بعضی خبرهای نامساعد داده اند و دربار شخصا اعلام‌داشت : تا مدتیکه‌جنك بامور ها (عربها) برقرار است او نمیتواند بچنین اقدامی دست یا زد". این بهانه بود . کلمب از آن گول نخورد، ولی‌ازخشم خود جلو گیری کرد و باین پنج سال تلف شده که بسختی در انتظار گذرانده بودبخاطر نیاورده کوشش کرد که برای اجرای مقاصدش جلب توجه دونفر از اشراف اسپانی راکه تا اندازهٔ‌برای دادن خرج یك مسافرت کوچکی بخارج ثروتمند بودند بنماید . ولی اشخاص مذکور آنقدرها جرات و اعتمادی که رضایت خاطر کلمب را فراهم سازند نداشتند . کلمب این شکست تازه را نیز تحمل کرد.

تا این اندازه ها نا امیدی ، نارضایتی خاطر ، رد خواهش ، هر شخص دیگری غیر از کلمب را از اجرای نقشه خود رویگردان میساخت ولی اگر او از اجرای آن نامید شده بود ؛ امروزه کلمب تاریخی نبود !

روح های بزرك ، اخلاق کاملا ثابت و استوار در نبردی که طبیعت برای آزمایش آنان پیش می‌آورد فعالیت و استعداد نوی بخرج میدهند . برای آنان موانع ومشکلات ، کینه و حسودی حاسدان و صدها مانند های آنها چه اهمیت دارد !؟

آنان دشوار ترین موانع را بهیچ شمرده ، دیده بر نقشه خود میدوزند و دو اسبه بسوی مقصد می تازند بدون اینکه از بی اعتنائی و حق ناشناسی معاصرینشان مضطرب باشند . چه : چشم امید آنان بدادرسی آینده است

دادرسی که هر گز خطا نخواهد کرد . کلمب هم دوجرگه این بزرگان بود و فیروزمندی‌خود را بدهکار دل نیرومند واراده تغییر ناپذیر خودمیدانست‌بااینهمه پاره اندوههای خانوادگی بگرفتاری‌هائیکه کلمب‌درمدت اقامتش در اسپانی داشت افزوده شده .

ناآگاهی از بار تلمی (برادر کلمب) از موقع رفتنش بانگلیس کلمب را مصمم ساخت که‌باین جزیره برود ، او نمیدانست که برادرش در موقع عبور گرفتار دزدان دریائی شده وبعدازاینکه خودرا از بند آنها رهائی داده توانسته بالاخره بانگلستان برسد . اما بطوری با فقر و بی چیزی دست بگریبان بود که برای بدست آوردن یکدست رخت آبرومند که بتواند خود را بدربار پادشاه برساند ناگزیر از ترسیم نقشه جغرافی و فروختن آن شد .

کلمب پسری‌داشت که دیه‌زو نامیده میشد و درنزد پدر بسیار گرامی بود . قبل ازرفتن از اسپانی او میخواست پسر خودرا ببیند لذا بصومعه که درآنجا تربیت میشدرفت . رئیس این‌خانواده مذهبی باباپرز مرد دانشمندی بود . او باکمال مهربانی و احترام کلمب را پذیرفت و با میل زیاد بشرح نقشه‌ها ونارضایتی هائیکه او متحمل شده بودگوش داد . این شخص مذهبی فورا اهمیت و فایده این اقدام راکه‌هوش‌سرشار کلمب تشکیل داده بود فهمیده وبگمان اینکه بلکه ایزابل خواهش‌اورا رد نخواهد کرد ازمهمانش(کلمب) خواهش کرد که حرکت خود را بانگلستان برای مدتیکه بنامه که او میخواهد بنویسد جواب دهد بتاخیر بیاندازد .

در این نامه پرز کلمب را طوری معرفی کرده بود که در روح ایزابل نفوذ کرده و احساسات عمیقی در روح این شاهزاده تولید نمود بطوری که ملکه فوراً کلمب رابدربار خواسته و اورا با کمال مهربانی پذیرفت و دراین موقع که دوستانش از این پیشرفت غیر منتظر باو تبریك میگفتند ضعف‌فردیناند مجدداً کلمب را مشکوك ساخت چه فردیناند مجدداً نقشه های کلمب را بهمان مردانیکه قبلا راجع بهمین موضوع با آنها مشورت کرده بود نشان داد .

پاسخ آنان یك محکومیت جدیدی برای کلمب که اورا مفسده جوی ایتالیائی مینامیدند شده و از آن وقت ببعد فردیناند نخواست راجع باین اقدام کلمب حرفی بشنود حامی او هم که ملکه ایزابل بود حکم کرد که تمام مذاکرات با او قطع بشود از اینرو کلمب مجدداً در معرض بی اعتنائی ومسخره درباریان قرار گرفت . چه : عموما درباریان مردمان بدجنسی هستند که یك عمر با کذب و بهتان و افترا گذرانده و خیلی دشوار است که با وجود آنان مظلومی دادخواهی کند ویا ستمدیدهٔ داوری خواهد .

حاسدانی که در این موقع زندگانی درخشانی‌را که برای کلمب پیش بینی میکردند ؛ بنای آزار اورا گذاشته و از ریشخند و افتراء خود داری نتوانستند وبطوری بنای پیچیدگی گذاشتند که‌هر کس‌جز کلمب بود بایستی بکلی از میدان در رود . اما روح او قوی تر از آن بود که دشمنانش فکر میکردند .

کلمب‌میخواست‌بپادشاه انکلیس بفهماند که‌یك‌بخش بزرك گیتی‌را که طرف بی‌اعتنائی سه دولت قرار گرفته میخواهد باو پیشکش نماید .

دانشکده افسری

ساعت ۳۰ — ۱۱ برنامه کودکان : داستان‌خواجه فرخ پی

ساعت ۱۲ — موسیقی ایرانی(صفحه)

ساعت ۱۵ — ۱۲ گفتار اجتماعی کودکان را در یابید

ساعت ۳۰ — ۱۲موسیقی گوناگون (صفحه)

ساعت ۱۳ خبر بزبان فارسی

ساعت ۱۵ — ۱۳ پایان بخش اول

بخش دوم

ساعت۱۸اعلام‌برنامه‌موسیقی‌ایرانی(نوازندگان‌رادیو)

ساعت ۲۰ — ۱۸ خبر بزبان فارسی

ساعت ٤۵ — ۱۸ گفتار ادبی (فرخی‌سیستانی)

ساعت ۱۹ موسیقی ایرانی (نوازندگان رادیو)

ساعت ۲۰ — ۱۹ پایان بخش دوم

بخش سوم

ساعت ۱۵ — ۲۰موسیقی‌ایرانی(نوازندگان‌رادیو)

ساعت ٤۵ — ۲۰ انتشارات رادیوی متفقین

ساعت ۲۱ — خبر بزبان فارسی

ساعت ۱۵ — ۲۱ موسیقی کلاسیك (صفحه)

ساعت ۳۰ — ۲۱ خبر بزبان روسی

ساعت ٤۰ — ۲۱ خبر بزبان ترکی

ساعت ۵۰ — ۲۱ خبر بزبان عربی

ساعت ۲۲ — خبربزبان فرانسه

ساعت ۱۰ — ۲۲ خبر بزبان آلمانی

ساعت ۲۰ — ۲۲ خبر بزبا انگلیسی

ساعت ۳۰ — ۲۲ موسیقی غربی(صفحه)

ساعت ۲۳ — پایان برنامه .

گزارش جهان

نطق چرچیل

لندن - طبق‌اظهارخبر گزاری‌انکلیس‌چرچیل در مجلس شورای ملی نطقی را که جهانیان با نگرانی‌هرچه تمامتر منتظرش‌بودند ایراد کرده‌طی آن چنین گفت :

از روزیکه بکشور بازگشتم چنین عقیده‌داشتم که باید ازمجلس شورای ملی رای اعتماد بخواهم. این کار بروفق سنن دموکراسی و قانون اساسی ماست . درخواست شده بود درپیرامون مسئلهٔ جنك شور شود .

من سه روز کامل وقت‌خودرا صرف کردم‌برای اینکه این شور تا آنجا که ممکن است کامل و در عین حال‌آزادانه صورت گیرد . هریك ازنمایندگان حق دارد که آزادانه عقیده خودرا برله یا بر علیه دولت یا برخلاف تقسیم مشاغل بین وزیران بوضع فعلی اظهار دارد و میتواند کلیه احساسات درونی خودرا بیان کند. یگانه حدی که برای این شور وجود دارد عبارت است از حفظ اسرار نظامی که مجلس همیشه آنرا بخوبی مراعات کرده است.آیا میتوانید از آنچه من پیشنهاد کردم آزادی‌بیشتری تصور کنید ؟ بعبارت دیگر آیا ممکن است برای دموکراسی معنائی بهتر از این تصور کرد؟ کمتر کشوری در جهان میتوان یافت که سازمانش آنقدر استوار باشد که درچنین موقعی یعنی درهنگامی که برای بقاء خود میجنگد ممکن باشد در مجلس‌چنین شوری صورت گیرد.

من لازم میدانم بنمایندگان توضیح‌دهم که‌بچه سبب امروز از مجلس درخواست یك موافقت‌نظر استثنائی را دارم . گفته میشد که روزی فرامیرسد که طی‌مذاکرات‌مجلس‌شورای ملی‌بدون‌هیچ‌شك‌و شبهه چندتن‌از کسانی که دستی‌ازدور برآتش‌دارند بردولت‌حمله سختی‌خواهند برد ودر پایان‌آن بدون آنکه رائی گرفته شود ما از یکدیگر جداخواهیم شد. روی این زمینه بود که محافل روزنامه‌نگارانی که باما سردشمنی دارند و برخی نیز پایه‌خصومت‌را بمنتهی درجه رسانیده‌اند گفته اند که ملت ازدولت سلب اعتماد کرده است وحتی‌آنان از جریان‌وقایع‌و مذاکراتی که شده چنین تصور کرده اند که‌مرابیم و هراس فرا گرفته و اگر از مجلس شورای ملی رای اعتماد بخواهم نهایت گستاخی را بخرج‌داده‌ایم. در این مورد نتیجه دیگری راکه دراین‌عمل‌مرتکب خواهد شد باید بنظر آورد و آن اینست که این اطلاعات در تمام جهان پخش خواهد شد و هرشب رادیو های دشمن این موضوعات را تکرارخواهند کرد و جدیت خواهند نمود چنین قلمداد کنند که نخست وزیرحق نداردبنام ملت سخنی گوید ودولت انگلیس نیز بهمین زودی استعفا خواهدداد. کسانی که بلحن های شدیدی که از آن ور دریا ها شنیده میشود گوش میدهند بخوبی میدانند که من درآن اظهارات‌مبالغه نمیکنم.

برماست که موضوع‌دیگری راهم درنظرداریم و آن‌اینست مدتهابود که ما در جزیره خودبتنهائی مشعل آزادی را در دست داشتیم ولی امروز تنها نیستیم. زیرا اکنون درمیان بیست‌و هشت‌ملت‌متفق قرار گرفته ام‌وهمین کشورها سه چهارم روی‌زمین را فرا گرفته‌اند.

کسیکه امروز بسود انگلستان سخن میراند نه تنها ازجانب ملت اظهاراتی میکند بلکه بنام پارلمان وبالاتر ازهمه بنام مجلس شورای ملی صحبت می کند و اینك‌من اطمینان دارم که ترجمان احساسات ملت هستم.

اگراقدامات‌رسمی‌دراین خصوص شودبی‌اندازه بنفع ملت خواهد بود . اخیراً اطلاعات بدی ازخاور دور بما رسیده و من معتقدم به دلایلی که اکنون اقامه میکنم اطلاعات بدیگر بمابرسد . احتمال‌کلی دارد که اطلاعاتیکه ازخاور دوریا نقاط دیگرحاکی از اوضاع نا گوار برسد هم دیر تر برسد وهم پر از خبط واشتباه باشد .

تمام این اوضاع بنظر من مانند کف دریاست بهمین‌نظر است که من ازمجلس شورای ملی که در تمام دوره جنك تأثیری بخود راه نداده در خواست میکنم که بطور رسمی رأی اعتماد بدولت دهد . مجلس شورای‌ملی اگر دو موضوع مهم را انجام بدهد در حقیقت وظیفه خود را انجام نداده است . یکی از این موضوع آنست که درشور ومذاکرات آزادی تمام حکمفرما باشد و دیگر آنکه پس از شورای از روی صراحت وصداقت داده شود بدین طریق‌حقیقت قضایای مربوط بخودما واضح وآشکار خواهد شدبکسانیکه ماهم در این کشور وهم در کشورهای‌بیگانه چه‌دوست وچه دشمن با آنها سرو کار داریم بخوبی مطلع خواهند شد که اوضاع ما چگونه است واوضاع آنها ازچه قرار است .

این از آنجهت است که ما شورهای آزادی می خواهیم داشت که در طی آنها بیست یا سی تن از نمایندگان مجلس‌خواهند توانست اظهار بدارند که من ازسیصد یا چهار صد تن از اعضای مجلس که نطق ایراد نخواهند کرد تقاضا کنم عقیده خود را اظهار دارند.تا کنون حوادث ناگوار بسیاری پیش آمده و من هنوز منتظر وقایع ناگوار تری هستم وبهمین جهت است که تقاضای رأی اعتماد دارم .

سپس چر چیل بتشریح وضع عمومی پرداخته چنین گفت :

درحدود سه یاچهار ماه قبل ما خودرا درمقابل این وضعیت میافتیم . مهاجمین آلمانی پیش‌میرفتند ودر کشور اتحاد جماهیر شوروی راهی برای خود بازمیکردند. روسها باشجاعتی مافوق تصورمقاومت میکردند ولی هیچکس نمیتوا نست وقایع آینده را پیش بینی کند .

هیچکس نمی توانست پیش بینی کند که لنین گراد ومسکو سقوط خواهند کرد یانه و هیچکس نمیتوانست حدس بزند که خط زمستانی آلمانیها در کجا برقرار خواهد شد .

امروزهیچکس نمیتواند راجع‌بخط زمستانی‌آلمانی ها اظهاری کند ولی فرشته سعادت اقامتگاهخویش را تغییر داده ست .

همهٔ ما باید بسپاهیان شجاع و مشهور اتحاد جماهیر شوروی کمك برسانیم و این کمك باید بحد اکثر توانائی ما برسد .

دولت انگلیس و من پس از مدتی فکر چنین دیدیم که‌بهترین کمکی که ممکن است باتحادجماهیر شوروی برسانیم اینست که انواع و اقسام اسلحه و مهمات مخصوصاً تانك و هوا پیما برای آن دولت بفرستیم .

از مدتها پیش از این نیروی ما در انگلستان و امپراطوری با نگرانی تمام منتظر این تسلیحات بودند تاآنکه مقدار بسیاری از آنها بدست آمد.در انگلستان ما پیوسته متوجه خطر حمله و آماده دفع آن بودیم .

اکنون خوبست سخن را بمسئله خاور میانه بکشیم :

ما باستالین نخست‌وزیر شوروی هرچه خواسته بود فرستادیم این که‌وبرانخست وزیر گفتم‌ازاینست که از متن تلگرافی که وی برایم فرستاده بوداین طور استنباط کردم که میخواهد او را بدین عنوان بنامند . ماکلیهٔ مقدار مهماتی که وعده کرده بودیم فرستادیم لیکن باکمال تأسف باید بگویم که‌براثر بدی‌هوا مختصر تأخیری در این کار رخ داد ولی درنخستین روزهای ماه فوریه این ترتیب جبران خواهد شد و از آن پس نیز پیوسته مهمات بخاك شوروی گسیل خواهد گردید . این تصمیم ما یك تصمیم جنگی و سیاسی بزرك بود .

باید خاطرنشان کرد که این‌تصمیم درست‌بموقع گرفته شده یعنی درهنگامیکه روسها منتظرحصول نتایج شایانی بودند که ما امیدش را نداشتیم وحتی مانند آنها بمخیله ما هم خطورنمیکرد ما ازتوانائی واقعی روسها کمتر اطلاع داشتیم لیکن اینان هنر نمائیهای شایانی نشان داده شاهد افتخار را آغوش کشیدند .

فرستادن مهمات از طرف ما برای اتحادجماهیر شوروی‌در مواقعی که او تاریکترین ساعات حیات خود راطی میکردیك‌وسیله تشویق‌بود . اگربرای کمك‌بمتفق خودمساعی فوق‌العاده اینگونه‌مبذول‌نمی داشتیم گو که‌این‌کار برای خودمان متضمن‌فداکاری سنگین بود تصور میکنم مناسبات ما با استالین و باکشور بزرك اتحاد جماهیر شوروی هر گز باین پایه‌خوبی‌نمیرسید و یك عدم رفاقتی تولیدمیگردید که ممکن بود از دوطرف مورد ملامت و سرزنش واقع گردد کمکی که درباره اتحاد جماهیر شوروی شده‌است گذشته ازاینکه جای هیچگونه تاسف نیست من خیلی میل داشتم که میتوانستم بیشتر از این‌بآن کشور کمك نمائیم سه چهار ماه پیش هنگامیکه آلمانی‌ها در آن سمت مشغول پیشرفت بودندمافوق العاده‌متوحش بودیم که‌مبادا آنها از روددن گذشته (رستوف) را تصرف نمایند و قفقازیه را فراگرفته پیش از زمستان بکانهای نفت بادکوبه برسند و پیش اززمستان واحدهای زره‌پوش مقدم آلمان به بادکوبه دست یابند .

مندرجات روز نامه ستارهٔ سرخ

مسکو - خبر گزای شوروی اطلاع میدهد روزنامه ستارهٔ سرخ نامه یك شخصی‌را که اخیرا به (ورشو) مسافرت کرده انتشار داده است .

اکنون متجاوز از دوسال است که این شهر بتصرف آلمانیها درآمده ولی‌با وجوداین‌طول مدت هنوزیادگار خرابی های ارتش آلمان دیده میشود نیروهای‌آلمانی بهترین‌ساختمان های شهر ورشو را اشغال کرده اند .

آموزشگاههای این شهر تبدیل به بیمارستان شده است شماره سربازان آلمانی در ورشو زیاد است وهمه روزه بااهالی شهر مالك الرقابی خودرا نمایش میدهندنیروی شهربانی درشهر مشغول گشت میباشند.مامورین‌لهستانی که‌درسر ماموریت‌خودباقی هستندمشروط‌براین است که اوامر اولیای متصرف را کور کورانه بموقع اجرا گذارند . دکانها همه باز میباشند ولی برای فروش چیزی ندارند .

خبرنگار روزنامه ستاره سرخ ضمنا تشریح می نماید که آلمانیها چگونه اثاثیه خانه های شخصی لهستانی‌ها راتصرف کرده و بیدرنگ اشیاء مسروقه خود را میفروشند .

سربازان‌وافسران مست زنهای‌لهستانی را کتك میزنند کلیه غلات‌به بهای افسانه آمیزی فروخته شده است ارزش یك جفت کفش بالغ برهشتصد الی یك هزار(زلوتی)میشود .

باوجود افزایش فوق العاده بها و گرانی اشیاء زما مدران متصرف اجازه نمیدهند مزد کار گر از میزان پیش ازجنگ زیادتر شود بلیت جیره بندی میان اهالی توزیع شده است ولی‌هریك‌نفردرعرض روز بیش از یکصد وبیست وپنج گرم از یك ماده مخلوطی که‌نان نامیده میشود در یافت نمیکنند.

در نتیجه اوضاع قحطی که در ورشو حکمفرما میباشد تلفات کودکان فوق العاده زیاد است .

آلمانیها برای تحقیر و نابود کردن احساسات ملی اهالی لهستان ازهیچ اقدامی کوتاهی‌نمیکنند. چندین روزنامه بزبان آلمانی ولهستانی منتشر می شود ولی مندرجات‌آنهاطرف انزجار ونفرت اهالی می باشد .

بااین حال اهالی ورشو پس‌از مدتی ازاوضاع بیرون شهر مطلع شده اند . همه مردم می‌دانند که یك‌حکومت‌ملی‌لهستانی‌بسرپرستی‌ژنرال‌سیکورسکی وجود دارد و اهالی این حکومت را متعلق بخود می دانند .

هواپیما های شوروی اعلانهایی مشعر بر متن نطقی که استالین‌بمناسبت‌بیست‌وچهارمین سال‌انقلاب بزرك اکتبر ایراد نموده بود بشهر ورشوریخته‌اند آن قسمت ازنطق استالین که بیشتر از هر مطلبی در ورشو موثر واقع شده اینست که استالین گفته آلمانی‌های متصرف باید تاآخرین فرد نابود گردند این اعلانها بزبان آلمانی چاپ‌شده بود ومردم‌ورشو از زیر پالتو آن ها را بیکدیگر میرساندند اهالی ورشو می‌دانند که در کشور اتحاد جماهیر شوروی یك ارتش‌تشکیل گردیده است .

لهستانی های‌میهن پرست بازمامداران‌متصرف پیوسته در مبارزه می‌باشند کارکنان راه‌آهن‌دانسته وعمدا راهها را خراب می کنند واداره آلمانی نمی تواند جلو گیری نماید . انحراف قطار ها از روی خط آهن بسیار وقوع میابد .

باوجود مجازات هایی که از طرف زمامداران متصرف اجرا می‌شود خرابکاری زیادتر میشود.

مندرجات روزنامه سانتیاگو

نیویورك — خبر گزاری شوروی خبر میدهد بنا بمندرجات روزنامه هائی که در سانتیاگو انتشار میابد سازمانهائی برای اعانه مالی باتحاد جماهیر شوروی ترتیب وتنظیم یافته و این سازمانهادرتمام کشور وجهه ملی پیدا کرده‌اند ، عده ای ازسازمان های دیگردموکراسی نیزاظهار کرده‌اند که‌حاضرند با اتحاد جماهیر شوروی ابراز معاضدت وهمبستگی نمایند ، بتازگی مجمع اتحادیه دهقانان شهرستان سانتیاگو قطعنامه بی تنظیم نموده و باتفاق آراء تصویب کرده‌اند که‌بارتش دلیر سرخ که برای‌آزادی مردمان متمدن از چنگ‌درندگان فاشیست باکمال شهامت میجنگند بیش ازپیش کمك و مساعدت‌شود سازمانهای دیگری درشیلی‌واوروگه همبستگی‌خود را نسبت باتحاد جماهیر شوروی ابراز داشته اند ، مردم لیتوانی و لهستانی وارمنی و مجار واسپانیایی و فرانسوی در پرداخت وجه بصندوق کمك باتحاد جماهیر شوروی‌شرکت‌نموده‌اند . سازمانهای‌سندیکا ها نیزدراین‌اقدام شرکت‌داشته اند ،

تانکهای ژنرال رومل‌تاکنون نشان داده اند که از بهترین نوع بشمار میآیند . بیشتر اتفاق می افتد که این تانکها سنگین‌تر از تانکهای انگلیسی‌است و توپهایشان نیز از لحاظ تأثیری که در شلیك از نقاط‌دوردارندازتوپهای تانکهای‌انگلیسی‌وامریکایی برتر هستند . بهمین نظرفرماندهی نیروی انگلیس در جنك کنونی بسرعت حرکت واحدهای زره‌پوش و زیادی تانکهایی که در مبارزه بکار برده است امیدواری‌دارد وبپیشرفت سریع و قطعی ژنرال‌رمل بسته بمدهٔزیادی‌از سربازان وآلات جنگی ومهماتی است که برای‌وی‌فرستاده شودعقیده عمومی برآنست که این ژنرال از سه لشکر زره پوشی که در پایان سال گذشته داشته فقط یك چهارم برایش باقی مانده است . بدیهی است نیروی کمکی نیز برای وی فرستاده شده ولی کافی نبوده است . اینك نیروی هوایی‌انگلیس بر فراز میدان جنك همچنان تسلط دارد . در مالزی نیروی ژاپن (باتوپاهات) واقع درحدود شصت میلی‌سنگاپور راتصرف کرده ولی درمنطقه مرکزی و منطقه خاوری درپیشرفت وقفه حاصل شده است . از قرار معلوم نیروی‌دشمن دراین نواحی تلفات سنگین دیده است . هواپیماهای انگلیس هم در پیشرفت عملیات جنگی همواره سهم بزرگی دارد از عدم تناسبی که در تلفات نیروهای طرفین دیده میشود برتری هوا پیماهای انگلیس و امریکا و زبردستی خلبانان آنها بخوبی‌آشکاراست اطلاعاتی که از جبهه شوروی رسیده بسیار رضایت بخش است . رادیوی مسکو طی اعلام یك اعلامیه ویژه بعملیاتی که در جبهه جنوب باختری روی داده اشاره کرده حاکی‌ازاینکه نیروی‌سرخ نایل‌بپیروزی گردیده اند و اولیای امور شوروی این پیروزی‌را بسیار مهم شمرده اند درآن اعلامیه همینقدر اشعار شد که نیروی شوروی شهر (پ) را محاصره کرده اندازقرار معلوم شهر محاصره شده‌بریانسك می باشد که مرکز خط‌آهن مهمی‌است که درهفتاد میلی باختری اول قرار گرفته است .

خبرهای تلگرافی دیشب

نطق چرچیل

لندن - دنباله نطق چرچیل که در مجلس شورای انگلستان ایراد کرده بدینقرار است :

همه کس اطلاع داشت که مادرچه اضطراب و تشویش روحی گرفتار بودیم. اگر دشمن موفق بچنین پیشرفتی میشد ناوگان شوروی بکلی نابود میگشت و دولت شوروی تسلط خود را در دریای سیاه از دست میداد ازاین گذشته امنیت ترکیه دچار خطر میگردید وبدیهی است که ایران وعراق وسوریه و فلسطین نیز مواجه باخطر کلی میشدند ازطرفی هم راه ترعه سوئز قطع میشد ومصرودره نیل نیزمورد تهدید قرار میگرفت .

درآن هنگام که آثار چنین تهدیدی نمایان می گردید ژنرال رومل در راس ارتشی مرکب از ده لشگر آلمانی وایتالیایی در مواضع مستحکم گردنه جلفایه ونقطه‌ئی دورتر ازآن استقرار یافت ودرصدد بود برطبرق حمله قطعی کند و بدینوسیله از باختر بسوی خاور پیشرفت نماید وبمصر حرکت کند .

بدین طریق دره نیل در معرض حمله مستقیمی ازسمت باختر و حمله خطرناکتر دیگری ازسمت شمال قرارداشت دراین قبیل موارد باید اصل جنگی خاصی بکار برد که شواهد بیشمار تاثیر قطعی آنرا بثبوت رسانیده است بدینقرار که باید دست بعملیاتی زد که در نتیجه آن یکی از حمله های دشمن بتاخیر افتد وتابتوان باید در برابر نیروی مهاجمی که در نقاط نزدیك تر موضع گرفته اند تمرکز نیرو دادو بهمین جهت بود که ما نقشه ژنرال اوچین لك رابرای ایجادنیروهایی بمنظور جلو گیری از پیشرفت نیروی دشمن درنواحی پهناوری که بین جزیره قبرس ودریای خزر قرار دارد وآنرا جبهه (خاور تاخزر) میتوان نامید تقویت نمودیم .

مادر این نواحی فرودگاهها وخطوط ارتباطی چندی دایر کردیم تا بتوانیم در مواردیکه مقتضیات ایجاب کند باوسایل حمل ونقل آماده باشد در این نقاط نیروی بزرگی تمرکز دهیم .

ما جناح باختری خود را برای مواجهه باژنرال رومل و وارد آوردن ضربت تا بهنگامی بوی آماده کرده بودیم وبرای این نیرو درصحرای لیبی کلیه قوای تحت اختیار خود راگرد آوردیم وبرای اینکه کلیه تدارکات کامل شود مدت مدیدی شکیبایی کردیم بطوریکه محافل انگلستان بسختی تاب تحمل این شکیبایی ممتد را آوردند . امید ما این بود که سیرنائیك و فرودگاههای بسیار مهم واقع در پیرامون بنغازی را پس بگیریم لیکن منظور عمده ژنرال اوچین لك ساده تر از این بود بدین معنی که وی می خواست ارتش ژنرال رومل را نابود سازد . اینست وضع ما در سه یا چهار ماه پیش از این و اینست تصمیم جنگی مهمی که ما اتخاذ کردیم . امروز من وقتی میبینم که حوادث چگونه خط مشی نظریات و کوشش های ما را تغییر داده وخود نیز تغییر کرده است حتم پیدا میکنم که تصمیمی که ما گرفته ایم بجا وبمورد بوده است . اکنون بیش از دو ماه است که پیوسته پیکار های سخت بین سربازانی که بهترین سلاحها مجهز هستند درنقاطی دور ازهم جریان دارد . اینان در صحرا تمام مدت روز و اغلب شبها را نیز بجنك میگذرانند . چگونگی این جنك بکلی برخلاف آن بود که ما پیش بینی میکردیم . این نیرو صورتی پراکنده وآشفته داشت باآنکه از لحاظ فردی نتایج جنگ بسته بسربازان وافسران جزء است لیکن اگر ژنرال اوچین لك بموقع نمیرسید این جنك دربیست وچهارم نوامبر بشکست ما تمام شده بود . وی جانشین فرمانده سابق شده فرمان حمله بسیار موحشی را صادر کرد ودستور داد که بدون توجه بمخاطرات ونتایج کار پیوسته دشمن تحت فشار قرار داده شود . اگر چنین تصمیمی اتخاذ نشده بود امروز ما در مواضعی قرار داشتیم که روز شروع این حمله در آنها بودیم و از کجا پیدا است که مواضع ما در نقاط شرقی تری ازاین مواضع قرار نداشت . ممکن بود که طبرق بدست دشمن بیفتد وژنرال رومل بطرف نیل پیشرفت کند . لیکن از آن زمان سر نوشت جنك بخودی خود معلوم شد .

سیرنائیك از دشمن پس گرفته شد و نیروی ما بایدآنرا حفظ کند ما نتوانستیم ارتش ژنرال رومل را نابود کنیم لیکن تقریبا دو ثلث از افرادش زخمی و اسیر و کشته شدند . در این جنگ وحشت انگیز در صحرا که طی آن برای نخستین بار نیرون مادر نبرد بادشمن از حیث اسلحه و ساز و برگ باخصم برابر بودند تلفات ما ازحیث کشته وزخمی واسیر به ۱۸۰۰۰ افسر وسرباز بالغ شد که بیشتر آنها انگلیسی بودند .

درعوض ما ازدشمن ۳۶٫۵۰۰ تن اسیر گرفته ایم که عده ای از آنها زخمی هستند و ۱۰۵۰۰ تن از آنها لشگریان آلمانند . نیروی ما ۱۱۵۰۰ تن آلمانی و ۱۳۰۰۰ ایتالیائی را کشته و زخمی کرده اند . بدین ترتیب رویهم رفته تلفات دشمن به ۶۱۰۰۰ تن بالغ بوده است .

ازاین گذشته شماره بسیاری از سربازان دشمن زخم برداشته اند وعده ای از آنها بعقب جبهه یا از طرف دریا بخارج لیبی حمل شده اند .

بنابراین ازشماره افراد تحت فرمان ژنرال رومل در تاریخ ۱۸ نوامبر اکنون اندکی بیش از یك سوم باقی است . نیروی ما ۸۵۳ هوا پیمای آلمانی و ایتالیائی وسیصد وهشتاد وشش تانك آلمانی وایتالیا را نابود ساخته اند .

طی این نبرد هیچگاه شماره افراد ما که نیروی ما که با دشمن مصادف بوده اند از ۴۵۰۰۰ هزارتن تجاوز نکرده است .

بعقیده من این نبرد دلاورانه درصحرا گواینکه برای ما یك سلسله شکست ها و عقب نشینی های موقت پیش آورده لیکن درعین حال نشان داده است که سربازان ما گذشته از آنکه میتوانند درراه شاه ومیهن جان بسپارند از کشتن حریف نیز نا توان نیستند من نمیتوانم وضع فعلی جبهه باختر سیرنائیك را دقیقا برای شما شرح دهم . ماباحریف پرجرئتی روبرو هستیم واگر دربحبوحه مشکلات جنك مقتضی باشد که عقیده خود را اظهار کنم باید بگویم که فرمانده نیروی دشمن یکی ازژنرال های بزرك امروزی است . شك نیست که برای ژنرال رومل نیروی کمکی تازه ای رسیده است وبزودی نبرد تازه ای درخواهد گرفت .

من براثر تجربه‌های زندگی قاعده ای رانصب العین خویش قرار داده‌ام وپیوسته از پیروی آن به خودمباهات میکنم وآن اینست که هیچگاه درخصوص نتایج جنگها پیش گوئی نکنم .

چرچیل در دنبال سخنان خود چنین گفت : از طرفی دشمن در میدان جنگ نزدیك بسه برابر تلفات نیروی ما تلفات داده و بعلاوه براثر عملیات نیروی دریائی انگلیس و زیر دریائیها و هواپیما های ماعده زیادی از نیروی کمکی که پیوسته برای رومل فرستاده میشد طعمه امواج دریای مدیترانه میگردید .

همین عملیات طی چند روز اخیر نیز صورت گرفته . شما در اینکه بر این عملیات نام پیروزی بگذارید یا نگذارید مختارید ولی من بدون آنکه قول مخصوص بدهم این عملیات رافوق العاده سودمند میدانم شکی نیست این مرحله جنگی پرافتخارترین مرحله‌ئی بوده است که سربازان و هوا نوردان انگلیس وجنوب افریقا وزلاند جدید وهند وفرانسه آزاد ولهستان در آن شرکت داشته اند .

دفاعیکه نیروی استرالیائی وانگلیس باکمال جدیت و شهامت با دشواری تمام طی هفت ماه از طبرق نمودند پایه اساسی موفقیتهای بعدی گردید .

راجع باوضاعیکه درعین حال درنقاط دیگردره نیل ودر فلسطین و سوریه و عراق وایران پدیدار گشت ما باید از اتحاد جماهیر شوروی بی اندازه سپاسگزار باشیم که بوسیله نیروی با لیاقت خود خطری را که متوجه ما گشته بود بطور قطع نابود نمود .

اکنون اوضاع خاور وباختر دره نیل بقدری بهبودی یافته است که با اوضاعیکه پس از انتقال دولت فرانسه به بردو و کناره گیری دولت ویشی از جنگ برای ما روی داد بهیچ روی قابل مقایسه نیست .

علت حقیقی بهبودی اوضاع رانباید کتمان کرد نیروی ما که تاکنون بشکست دادن ژنرال رومل در سیرنائیك موفق گردیده این موفقیت را در جاده باریك آن منطقه بدست آورده اند . برای آنکه تانکها وهواپیماهای ژنرال رومل را نابود سازیم از تمام تانکها وهواپیما های خود استفاده نمودیم .

تنها در پرتو پیروزی نیروی سرخ در کرانه دریای سیاه بود که تمام اراضی واقع بین سوریه و دریای خزر که در حقیقت معبر هندوستان و خلیج فارس ودره نیل وترعه سوئز میباشد ازخطر تعرض وتسلط دشمن بر کنار ماند .

اینك وقایع چند ماه اخیر را بیان کردم ومجلس بخوبی پی خواهد برد که ماچه اندازه از منابع خود استفاده کرده‌ایم وباآنکه درتنگنا قرار گرفته‌بودیم باچه وضعی توانستیم تاکنون جان بدر بریم و البته مابرای انجام خدمات خویش متوقع هیچگونه سپاس گزاری نیستیم .

اگر چندماه پیش باعتراضات پرهیاهوی عمومی گوش داده بودیم وبرفرانسه یاهلاند حمله می‌بردیم چه بر سرما میآمد ؟ اگر بنابود بار دیگر بمصیبت دنکرك گرفتار شویم تمام مصیبتهای وارد برما در خاور دور و خاور میانه در مقابل آن هیچ شمرده می شد .

اینك که دوسال و نیم از دوره جنك کنونی میگذرد ما موفقیت یافته‌ایم اراضی آنور دریا های خودرا محفوظ داریم باوجود تمام بی‌ترتیبی ها که موجب تأثر ماگردیده و با وجود همه گونه تسامح ونداشتن نظم وسازمان که ماخود بی‌اندازه از این حیث مسئولیت داریم اینك تازه میخواهیم را بیابیم امروز که این راهرا یافته‌ایم چنین مینماید که ما گرفتار اوضاع تیره‌ئی هستیم لکن اگر همچنان متفق باشیم و حد اعلای نیروی خود را بکار بریم بیش از پیش بما ثابت خواهد شد که درشرف درآغوش کشیدن شاهد پیروزی هستیم .

چون ناگزیر بودیم در اینجا و در دره نیل با آلمان وایتالیا مواجه باشیم نتوانستیم بقدر کافی سرباز و اسلحه بخاوردور بفرستیم و بطورموثر از آن حدود دفاع کنیم .

تمام دلایلی که تاکنون در حضور آقایان اقامه کردم برای اخذ این نتیجه بود .

در آن هنگام که ما از شرکت امریکا درجنك اطمینان نداشتیم سیاستی که پیش گرفته بودیم آن بود که بهرشکل شده از بروز جنك با ژاپن جلوگیری نمائیم برای اجرای این منظور ناگزیر شد یم چند ماه جاده برمه را ببندیم .

من خوب بخاطر دارم که در این خصوص چه انتقاداتی بما شد . تمام این انتقادها را تحمل کردیم زیرا ناگزیر بودیم چنین سیاستی پیش گیریم .

انگلستان یا امپراطوری انگلیس درهیچ دوره ای نتوانسته بتنهایی باآلمان و ایتالیا بجنگد باآنکه بتنهائی دررزمی که برای حفظ انگلستان یا دررزمی که در اقیانوس اطلس و خاوردور میشود مدافعه کند ودرعین حال تدارکات دفاعی برمه و شبه‌جزیره مالزی را فراهم نماید و بطورکلی درخاوردور با پیشرفت یك امپراطوری وسیع پهناور جنگی مانند ژاپن که بیش از هفتاد لشگر تندرو در اختیاردارد و از لحاظ نیروی دریائی درجهان رتبه سوم رادارا میباشد و هواپیماهای فوق‌العاده دردسترس خویش دارد و دارای هشتاد یا نود ملیون مردم پرخاشگر میباشد مواجهه نماید .

در اینجا نخست وزیر از قضیه شرکت مستملکات انگلیس درجنك سخن راند و چنین گفت :

ما همواره موافقت داشتیم که یك کابینه جنگی امپراتوری تشکیل شود ونخست وزیران چهار مستملکه انگلیسی در آن شرکت داشته باشند چنانکه هر بار هریك از آنها وارد انگلستان شد در پشت میزهیئت دولت ما قرار گرفت وباما بکار برداخت . دراینجا نخست وزیر از مسافرت مکنزی کینك و فریزر و منزیس بانگلستان و نیز از ماموریت (سرارل پیج) سخن بمیان آورد و گفت :

دولت استرالیا از ما تقاضا کرد که نماینده‌یی از جانب وی در مذاکرات کابینه جنگی برای اجرای مقاصد سیاسی شرکت جوید . طبیعی است که ما با چنین تقاضایی موافقت کردیم دولت زلاند جدید خود را مجبور دید چنین تقاضایی از ما بکند اینگونه امتیاز هم لابد باید برای کانادا و دولت افریقای جنوبی قائل گردیم ولی باید دانست حضور این نمایندگان درکابینه جنگی با نداشتن هیچ اختیاری برای اخذ تصمیم فقط بمنظور آنکه از طرف دولتهای مربوط سمت نمایندگی داشته باشند مسائل دشواری پیش می‌آورد که قطع دارم هیچیك رانمی توان حل و فصل کرد . نخست وزیر در دنبال سخنان خود چنین گفت میزان تولید مهمات و آلات جنگی ما فوق العاده بود وازچندی پیش تاکنون بی اندازه زیاد تر شده است . میزان این محصولات پی درپی ترقی یافت . در سال ۱۹۴۱ میزان محصولات جنگی ما نسبت بمیزان محصولات جنگی امریکا که آنهم فوق العاده زیاد بود دوبرابر گردید . طی شش ماه اخیر میزان محصولات توپ در کشورما نسبت بمحصول یکماهه‌یی که درجنك گذشته بحد کمال رسیده بود بقدری زیاد شده که ازدوبرابر متجاوز گردیده است و همینطور هم قوس صعودی خود را میپیماید . میزان محصول تانك نیز درعرض ششماه اخیر بچندان گشته و درعرض همین مدت میزان تولید اسلحه های سبك نیز ازدوبرابر بیشتر شده است .

میزان تهیه فشنك ومهمات نیز دو برابر گردیده است با اینحال مقدار مواد و آلات جنگی مخصوص دفاع خاور دور هم همواره متعلق و وابسته بعده کشتیهای حمل و نقل بوده است . از کشتیهایی که بکشور ما خواربار حمل میکنند یا از ناو هایی که در جنگ اقیانوس اطلس شرکت دارند هر قدر توانسته ایم کسر کرده و بزرگترین آنها را برای حمل نیروو تانك ومهمات از انگلستان بخارج اختصاص داده ایم . هواپیما را هم نه تنها از راه هوا بلکه از هر قرار که میتوانستیم از آن استفاده کنیم ودر اختیار خود داشتیم و بیشتر آنها برای رسیدن به میدانهای جنگ خاور دور خطرناك بود فرستادیم وتاکنون شصت هزار تن ازسربازان خودرا بدینوسیله بسنگاپور رسانیده ایم . اما دشمن از لحاظ داشتن هوا پیما های جدید و تانکها وتوپهای ضد هوائی و توپهای دیگر برسایر نواحی برتری دارد .

من مسئولیت تصمیمی را که اتخاذ شده با تیره ترین عواقبی را که داشته باشد بعهده میگیرم و نیز مسئولیت کامل روش سیاسی را که تا کنون پیش گرفته شده است عهده دار میگردم .

بهیچ رو جائز نیست تحمل سرزنش کم به افسران وهوا نوردان وملوانان را توبیخ نمایم .

بچه جهت همکاران درستکار خویش واز کار منفصل کنم و آنها را آماج پیکان کین وعداوت برخی از روزنامه های انگلیس واسترالیا قرار دهم؟

چرچیل بانتقادات بسیاری که درخصوص سازمان کابینه وبکار وزیران پیش آمده بود جدا پاسخ داد و اظهار داشت که بر اثر انتصاب ژنرال ویول دیگر ادامه ماموریت داف کوپر معنائی ندارد وی درقسمتی از نطق خود گفت :

اگر در طرف جنك ما مقدار زیادی اسلحه و مهمات بخاور دور فرستاده میشد ما نمیتوانستیم تعهد هائی که درباره اتحاد جماهیر شوروی کرده بودیم انجام دهیم ودر جنگ سیرنائیك که هنوز هم درآن بفتح نایل نشده ایم شکست میخوردیم وحتی ممکن بود که در این سوی مرز مصر مشغول دفاع از خود باشیم .

تصور اینکه ژاپنی ها در سال ۱۹۴۰ یعنی در موقعیکه ما بیش از همیشه تنها وناتوان بودیم بما حمله نکردند تادر چنین موقعی در عین نومیدی به نیروی مختلط امپراتوری انگلیس وامریکا حمله‌ور شوند دوراز عقل سلیم بنظر میرسد . بااینهمه ملل جهان نیز مانند افراد گاهگاه بکار هایی دست میزنند که علت آنها را نمیتوان فهمید هنگامیکه این دوره فرا رسید ما حتم داشتیم که اگر ژاپن وارد جنك شود ما تنها نخواهیم بود .

ما برای پادگان سنگاپور نیروی کمکی فرستادیم و مقامات مربوط بما گفتند که بوسیله این واحد ها خواهند توانست مدت بسیاری از افتادن سنگاپور بدست دشمن جلو گیری کنند .

بااینهمه براثر احراز تفوق دریایی بدست ژاپن در اقیانوس ساکن این امیدها بیاس مبدل شد این تفوق دریایی برای ژاپن مقدمه ای خواهد بود که تامدت بسیاری بتواند بکلیه مللی که در خاور دور دارای متصرفات هستند تلفات شایان وارد آورد .

این متصرفات تا هر اندازه که نیرومند باشند کشوری که دارای تفوق دریایی است میتواند یکایك آنها دست انداخته پادگانهاشان را نابود یا اسیر سازد وهرچه درآن هست غارت کند وسپس بدیگری پردازد .

این وضع هنگامی تغییر خواهد کرد که تفوق دریایی وهوایی از آن ما باشد مانیز بعد از اینکه فلان یا فلان نقطه بدست دشمن افتاده است بنای عجز ولابه را بگذاریم .

همینکه آخرین قوای ملل متفق در جنگ شرکت جویند کم کم عامل مخالف رو برشدت خواهد گذاشت و جنك را بپایان خواهد برد لیکن بشرط آنکه ما پافشاری را از دست ندهیم وبا آخرین قدرت و توان خود بجنگیم ومهمتر از همه بشرط آنکه وحدت خو را از دست ندهیم .

در اینجا چرچیل مسئله مالزی را پیش کشیده وفقط اظهار داشت که نیروی انگلیس بوجه شایانی تقویت یافته اند و از تاریخ هفتم دسامبر باین ناحیه نیرو فرستاده شده است آنگاه گفت :

مابا موافقت نظر امریکا تصمیماتی گرفتیم تا از همه طرف کلیه مواد سودمندی را که ممکن است کشتیها باخود بردارند باین ناحیه حمل کنیم بااینهمه نباید خودرا بدست عقاید خویش بینانه و بی مورد بسپاریم باآنکه تصور کنیم تفوقهائی را که دشمن احراز کرده‌است میتوان بآسانی ازچنگش بدرآورد باوجود مرارتهائی که در گذشته دیده ایم وباز هم درپیش داریم باوجود مثنهای تأثری که من بحال آسیب دیدگان دارم باید خاطر نشان کنم که کلیه حوادثی را که طی چندماه اخیر در جهان رخ‌داده است باخوشوقتی تلقی میکنم :

تفسیر جبهه های جنك

لندن — اناليست خبرنگار خبر گزاری انگلیس چنین مینگارد :

اکنون رزم در لیبی در شمال و شمال خاوری (موروس) در گرفته بدین طریق واحد های تحت فرماندهی ژنرال رومل پیشرفت نوینی نایل گردیده ومی توانند نقاط نزدیك بنغازی را تهدید کنند . اعلامیه ییکه در قاهره انتشار یافته حاکی است که دیروز در یك جبهه پهناور پیوسته رزم ادامه‌داشت بدیهی است عملیاتی که در بیابان صورت میگیرد عینا مانند جنك دریایی است . سرعت وآزادی‌عمل وقدرت تیراندازی وبهدف رسیدن گلوله برای تعیین پایان مبارزه سهم بزرگی دارند .

نگارش خبرنگار خبرگزاری انگلیس

لندن — خبر نگاری که خبرگزاری انگلیس بستادنیروی ژنرال مك ارتور در شبه جزیره باتان واقع درجزایر فیلیپین اعزام داشته است چنین مینگارد که آنچه موجب احراز موفقیتهای اخیر نیروی امریکایی و فیلیپین وپیروزی برژاپنیها گردیده فعالیتی است که دسته های (موروس) ابراز داشته‌اند . افرادموروس از اخلاف قبایل عرب هستند که در جزایر فیلیپین بسر برده ومذهبشان اسلام است این عده مسلح بشمشیر های تیزی هستند که بوسیله آنها عده ای ازسربازان دشمن راکه در دسترس میبابند میکشند بطوریکه یکی از افسران امریکا نقل میکند موروسها شب هنگام براورد و گاهای ژاپنی حمله میبرند و بیم درمیان سربازان مهاجم ژاپنی ایجادمینمایندچنانکه تاکنون در بسیاری از نواحی واقع در نزدیکی (داواو) خواب را بچشم ژاپنیها حرام کرده اند . نیروی ژاپنی طی حملات اخیرخود تلفات جانی ومادی فراوان دیده اند .

شرکت چاپخانه تابان